

سر راه اصلاح‌طلبی وجه مشخصتری به خود گیرد.

کاوه بیات

یادداشت

1- The Tiananmen Papers: The Chinese Leadership's Decision to Use Force Against Their Own People, in Their Own Words

چرا کیان؟

در رویارویی‌ای که از یک سال و اندی پیش میان نیروهای مخالف اصلاحات و مطبوعات در گرفته و به بسته شدن منظم نشریات منجر شده است نه می‌توان بسته شدن روزنامه‌ای را کمتر از روزنامه دیگر مهم دانست و نه در جست‌وجوی دلیل بخصوصی برای هر مورد خاص بود؛ در عین حال هر بار که خبر بستن نشریه‌ای به گوش می‌رسد، ناخودآگاه اولین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود آن است که چرا این یکی را بستند؟ و اکنون نیز می‌توان از خود پرسید کیان چرا؟ چرا امروز؟ و انبوهی از پرسش‌ها که شاید هیچگاه نباید طرح کرد. برای این که به محض طرح آن، پرسشگر وارد دنیای میز می‌شود و ناخواسته از چشم ممیز به نشریه‌ای که تعطیل‌اش کرده‌اند می‌نگرد؛ به دنبال عکسی، مقاله‌ای، جمله‌ای، اشاره‌ای که می‌تواند به فلان شخص برخورد کرده باشد، یا بهمان عقیده را که تا

از گزارش‌های موجود چنین برمی‌آید که طرح و انتشار این اسناد بیش از آن که وجهی "تاریخی" داشته باشد، وجهی کاملاً به روز و سیاسی دارد. اگر چه دنگ‌ژیساتوپینگ عامل اصلی تغییر توازن به نفع نیروهای سرکوبگر در سال ۱۹۹۷ فوت کرد و شاید از آن "زعمای" اولیه نیز دیگر نشان‌چندانی برجای نباشد ولی با توجه به این که زیانگ زمین که به جای ژائوژیانگ ریاست جمهوری و دبیری کل حزب را عهده‌دار شد و همچنین لی‌چنگ که در آن سال نخست‌وزیری را بر عهده داشت و اینک نیز در مقام ریاست مجلس، نفر دوم نظام محسوب می‌شود انتشار این اسناد را می‌توان نشانه‌ای از تدارکات جاری برای جنگ قدرت آتی دانست. بویژه آن که به هر حال در دو سال آینده امکان بازنشستگی آن دو نیز مطرح است.

در واقع فردی که با نام مستعار "زانگ لیانگ" به نمایندگی از یکی از جناح‌های اصلاح‌طلب حزب کمونیست چین به نشر این اسناد اقدام کرده است، اعتقاد دارد که ساماندهی مجدد اصلاح‌طلبی در چین بدون بررسی مجدد این واقعه اصولاً امکان‌پذیر نیست و امیدوار است که با طرح مجدد این بحث که با انتشار متن کامل این مجموعه اسناد به زبان چینی در بهار آینده صورتی گسترده خواهد یافت، شناسایی موانع موجود بر

جست‌وجوی راهبرد اصلاحات در آفتاب

نخستین شماره ماهنامه *آفتاب* در نیمه آذر ۱۳۷۹ منتشر شد. شورای سردبیری آفتاب در "سرمقاله" نخستین شماره تداوم جنبش اصلاحات را مثبت و مهم‌تر از حصول دستاوردهای آتی می‌شمرد و با ذکر موانع عمده بر سر راه اصلاحات در مقطع فعلی این جنبش، آرایش کلی صحنه سیاسی ایران را در وجود سه گرایش "محافظه‌کاری، تمایل به حفظ نظام امتیازات و نابرابری‌ها"، "اصلاح‌طلبی، تمایل به تغییر ساختارهای حافظ نابرابری و تبعیض در میان شهروندان در چارچوب نظام سیاسی موجود" و "انقلابیگری، تمایل به کاربرد خشونت برای تغییر نظام سیاسی" و منازعه و مجادله این سه گرایش متجسم می‌بینند و بر آن است که گرفت‌و‌گیرهای سطح عرصه سیاست مانع از فرصت یافتن نظریه‌پردازان و سخنگویان و عاملان هر یک از این گرایش‌ها به تعامل و تأمل و نظریه‌پردازی برای چشم‌اندازهای بلندمدت‌تر است. و با این فرض که "اصلاح‌طلبی هنوز در سطح افکار عمومی خواست مسلط است"، "بازنگری مبانی نظری خود و ژرف‌اندیشی در حوزه راهبردها" را هدف خود قرار می‌دهد.

به حال کسی ابراز نکرده بود ابراز کرده باشد یا لحنی را گرفته باشد که لابد نمی‌بایست و ...؛ از یک مرحله به بعد در واقع پاسخ دیگر مهم نیست. همین‌که پرسش کردی، بازنده‌ای. چون منطق سانسور را پذیرفته‌ای؛ آنچه نباید بشود شده است. یعنی فاصله بین توضیح و توجیه را پیموده‌ای. و هر قدر بیشتر به موضوع بیندیشی، هر قدر بیشتر دیگران را به یاری طلبی که چراکیان را بستند؟ بیشتر به عامل تقویت سانسور تبدیل می‌شوی. چون دیگران را نیز وارد آن منطق کذایی کرده‌ای. گویی با طرح پرسش یا پرسش‌هایی از این دست خود را چند قدمی به کسی که به این کار مبادرت کرده نزدیک و با او همراهی و همفکری کرده‌ای. پس شاید بهتر آن باشد که برای یک بار هم که شده از طرح این‌گونه پرسش‌ها دست بکشیم و آن‌ها را با پرسش‌های دیگری از این نوع جایگزین کنیم؛ چرا می‌توانند کیان را ببندند؟ مگر ما وزارت ارشاد نداریم؟ مگر ما دادگاه مطبوعات نداریم؟ مگر ما اداره کل مطبوعات نداریم؟ مگر چهار سال نیست که اکثریت گسترده‌ای از این ملت هر دفعه که به پای صندوق رأی می‌روند محترمانه می‌گویند که نمی‌خواهیم کیان را و ده‌ها نشریه دیگر را ببندند؟ پس چگونه است که می‌توانند این کار را بکنند و چگونه است که ما نمی‌توانیم کاری بکنیم؟

مراد تقفی